

اسرار مگو

سیاست نفتی آمریکا یا سرگنده‌ای که زیر لحاف بود! (۱)

به قلم مصطفی فاتح

پس از ظهور حکومت هیتلر در آلمان مسکو تاکتیک خود را در همه‌ی کشورها تغییر داد و در صدد برآمد که با کشورهای غرب اروپا طرح دوستی ریخته و روابط نزدیکی با آنها برقرار نماید. همین که جنگ دوم جهانی شروع گشت و دول غرب از تشکیل جبهه‌ی واحدی با روسیه بر علیه آلمان امساک کردند روسیه‌ی شوروی سازش موقتی با آلمان نمود ولی پس از چندی که مورد حمله آلمان واقع گشت، ائتلاف با دول غربی صورت گرفت و همه متحداً بر علیه آلمان قیام نمودند تا آن کشور را از پای درآوردند. در شهریور ۱۳۲۰ که هجوم ارتش‌های بیگانه به ایران پیش آمد تمام کسانی که به جرم داشتن مرام اشتراکی و همکاری با شوروی‌ها به زندان افتاده بودند آزاد گردیدند و حضور ارتش سرخ در ایران میدان را برای عملیات هواخواهان دولت شوروی باز گذاشت. برای این که متفقین شوروی نگویند که در حین جنگ شوروی‌ها دست به اختلال زده و امنیت ایران را، که برای رساندن لوازم و مهمات به روسیه واجب بوده، بر هم می‌زنند مأمورین شوروی نهایت حزم و احتیاط را به کار بردند و اجازه ندادند که حزب کمونیست ایران تظاهراتی بنماید و چون قانونی در ایران وضع شده بود که ایجاد

حزب اشتراکی را مانع می‌شد و اعضای آنرا مجرم می‌شناخت صلاح در این دیدند که حزب توده را تشکیل داده و مرام آن را طوری تنظیم نمایند که در ظاهر شباهتی با حزب کمونیست نداشته باشد.

این حزب تشکیل شد و اولین رهبر و پیشوای آن هم سلیمان میرزا بود ولی به همه‌ی اعضای حزب کمونیست ایران که در سابق وجود داشت توصیه شد که به حزب توده بگروند. پیشه‌وری و چند نفر دیگر که با پیروان دکترارانی نظر خوشی نداشتند از عضویت حزب توده خود داری کرده و دسته افراطی دیگری را تشکیل دادند ولی بقیه عضویت حزب توده را قول کرده و تحت عنوان و مرام یک حزب آزادی خواه کلیه‌ی عملیات یک حزب کمونیستی را تعقیب می‌کردند.

عملیات حزب توده در ده پانزده سال اخیر جزو تاریخ معاصر محسوب می‌گردد و شرح، و بسط راجع به آن موردی ندارد ولی همین قدر لازم است گفته شود که از سال ۱۳۲۳ به بعد حزب مزبور عامل موثری برای انجام مقاصد سیاسی دولت شوروی در ایران گردید و طولی نکشید که ماهیت آن بر همه کس معلوم شد و جراید و مطبوعاتی که از طرف آن حزب منتشر می‌گردید این نکته را کاملاً تأیید و تصریح می‌کرد.

در قسمت نفت و علاقه‌ی شوروی‌ها به تحصیل امتیاز نفت شمال باید گفت که پس از عدم کامیابی شوروی‌ها در تحصیل امتیاز مزبور و ایجاد غائله‌ی آذربایجان دستگاه تبلیغاتی دولت شوروی و حزب توده تمام توجه خود را معطوف به این نمود که به هر قیمتی هست باید اقدام به لغو امتیاز نفت جنوب کرد و از هیچ اقدامی در این باره فروگذار نکرد.

عدم رضایت عمومی از شرکت نفت ایران و انگلیس بهترین زمینه را برای این کار فراهم می‌ساخت و حزب توده به کامل‌ترین وجهی از این عدم رضایت استفاده نمود. مقدمه‌ی سازمان کاملی بین کارگران صنعت نفت ایجاد کرد و از عدم رضایت آنها استفاده کرد اعتصاب سال ۱۳۲۵ را بوجود آورد و سپس تبلیغات خود را هم آهنگ با اعتراضات ملیون نمود و از این راه بهره‌مندی کاملی حاصل کرد.

البته خطای محض است اگر کسی مدعی شود که ملی شدن نفت ایران در اثر تلقین شوروی ها بوده است زیرا چنین نبود. و علت آن همان عدم رضایت شدید مردم ایران بود که پس از مجاهدت بسیار برای استیفای حق خود و شنیدن جواب های یأس آمیز مبادرت به این کار نمود ولی منکر هم نمی توان شد که حزب توده یکی از مهم ترین عواملی بود که به نهضت ملی شدن نفت کمک بسیار نمود و گرچه در بادی امر نهضت مزبور را تخطئه کرده و جدی نمی پنداشت ولی پس از آن که قانون ملی شدن نفت به تصویب مجلسین رسید و خلع ید از شرکت نفت شد حزب مزبور با تمام قوا از نهضت مزبور تشویق و پشتیبانی کرد.

بنابراین چه گفته شد محقق می گردد که نظریه اتحاد جماهیر شوروی نسبت به ایران و بخصوص نفت ایران چندان تفاوتی با نظریه دولت های غربی ندارد با این فرق که دولت شوروی در درون لفافه حمایت از کارگر و رنجبر و به وسیله حزبی که ایجاد کرده بود در امور داخلی کشور همسایه اش دخالت می کرد و موقعی که طالب امتیاز نفت شمال بود با شوروی های صنعتی عمال کمونیستی خود خواست به مقصود برسد و همین که کامیاب نشد به وسیله ی همان عمال در صدد تلافی برآمد.

پس از حکومت مشروطه قرار شد مورگان شوستر آمریکایی برای اصلاح مالیه به ایران بیاید ولی متأسفانه مواجه با مخالفت هایی شد که کار او را مختل ساخت در ابتدای امر بعضی از مرتجعین و مؤدیان مالیات مخالفت را با او آغاز کردند و سپس دولتین روس و انگلیس اصلاحات او را مخالف منافع خود دانسته و با اولتیماتومی که دولت تزاری روس داد ایران را مجبور کردند که به خدمت او خاتمه دهد.

شوستر و همکارانش پس از هشت ماه خدمت صادقانه ایران را ترک گفتند و چندی بعد شوستر کتابی به نام «اختناق ایران» منتشر نمود که شرح کاملی از اوضاع سیاسی آن روز ایران است.

این کتاب به فارسی ترجمه شده و برای کسانی که بخواهند از اوضاع و ماهیت کسانی که به مردم حکومت می کردند مطلع گردد مجموعه گران بهایی می باشد خدمات

شوستر و همکارانش و فشاری که خارجیان برای خاتمه دادن به خدمت او وارد ساختند و مقاومت دلیرانه‌ای که نمایندگان دوره دوم تقنینیه مجلس شورای ملی ظاهر ساختند و از مستشاران مالی آمریکایی قویاً پشتیبانی کردند با یکدیگر توأم شد و محبوبیت بی نظیری برای آمریکاییان بین مردم ایجاد کرد.

پس از عقد قرار داد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ شمسی) معروف به قرارداد وثوق الدوله که از طرف انگلیس‌ها به ایران تحمیل شده بود دولت آمریکا علناً مخالفت خود را با قرار داد مزبور اعلام داشت و این اقدام بر محبوبیت آمریکاییان بسی افزود پس از جنگ اول جهانی قضیه اعطای امتیاز نفت شمال به میان آمد که شرح مفصل آن در فصل دیگر از این کتاب ذکر شده است.

در سال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱ شمسی) دولت ایران برای بار دوم از دولت آمریکا تقاضا کرد که یک میسیون مالی به ایران اعزام دارد. این میسیون به ریاست دکتر میلیسپو به ایران آمد و در مدت پنج سال توقف خود در ایران خدمات مهمی انجام داد. دکتر میلیسپو قبل از آمدنش به ایران مستشار اقتصادی وزارت خارجه‌ی آمریکا بود و توفیق او در ایران بیشتر به واسطه‌ی حسن توجه عامه به میسیون او و مساعدت‌هایی بود که دولت وقت با او می‌کرد و همین که کنترات او تمام شد و دولت خواست آن را تجدید نماید و از اختیارات او بکاهد موافقتی بین او و دولت حاصل نشد و میسیون مزبور از ایران رفت.

در فاصله‌ی بین دو جنگ سیاست بی طرفی دولت آمریکا نسبت به امور ایران و هوا خواهی آن دولت از سیاست «درگشوده» هم آهنگ با سیاست ایران بود و محبوبیت آمریکاییان در ایران پا بر جا و مستقر باقی ماند. یک امتیازی هم برای استخراج نفت به شرکت امیرانیان آمریکایی داده شد که شرح آن در فصل هشتم آمده است.

هنگامی که ارتش روس و انگلیس به ایران هجوم آورده‌اند انتظار عموم ایرانیان از آمریکا که متحد و متفق با روس و انگلیس شده بود این بود که ازین کار ممانعت کرده باشد ولی بعد معلوم گشت که سیزده روز قبل ازین تهاجم چرچیل نخست وزیر

انگلستان با رئیس جمهور آمریکا ملاقات کرده و با اطلاع او به چنین کاری مبادرت کرده است.

جنگ دوم جهانی پای ارتش آمریکا را هم به ایران بازکرد و ارتش مزبور بدون اجازه و بدون عقد پیمانی به ایران آمد و تا اندازه‌ای از محبوبیت چندین ساله آمریکاییان کاست. معه‌ذا دولت ایران به قصد استفاده از موقعیت درصدد بر آمد که به وسیله‌ی توسعه‌ی نفوذ آمریکا نیروی سومی در مقابل سیاست‌های روس و انگلیس ایجاد نماید و در سال ۱۳۲۱ شمسی از دولت آمریکا تقاضا کرد که چند میسیون مختلف برای اصلاح امور اداری به ایران اعزام دارد دولت آمریکا این تقاضا را پذیرفت و یک میسیون به ریاست کلنل شوراتسکف برای ژاندارمری و میسیون دیگری برای اصلاح امور شهربانی و چند نفر مستشار برای بهداری و آبیاری و یک میسیون مالی هم به ریاست دکتر میلیسپو برای تنظیم امور مالی به ایران اعزام داشت دکتر میلیسپو تقاضای اختیارات جامعی کرد تا بتواند با صلاح مالیه پردازد و چون در آن موقع اولیای امور و نمایندگان مجلس میل داشتند که رضایت خاطر متفقین را تامین نمایند اختیارات وسیعی را که دکتر میلیسپو خواسته بود تصویب و تفویض به او کردند ولی به مجرد این که او خواست وضع مالیاتی را تعدیل نموده و تحمیل بیشتری به طبقات متمکن نماید و تا اندازه‌ای جلو اجحافات طبقه حاکمه را بگیرد با مخالفت شدید آنها مواجه گشت و عوامل مختلفی با او مخالفت کردند که نتوانست در کار خود توفیقی حاصل نماید و بالاخره پس از مدت کمی به کنترات او خاتمه دادند و رفت.



بالا تقي زاده - پايين همزير